

طراحی و اعتباریابی مدل روان شناختی تربیت دینی بر اساس منابع اسلامی

Designing and Validating the Psychological Model of Religious Education Based on Islamic Sources

کهر احد امیدی / استادیار روان شناسی، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
رحیم نارویی نصرتی / دانشیار گروه روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.
سیداحمد رهنمایی / دانشیار گروه علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.

Ahad Omid / Associate Professor of Psychology in Department of Islamic Knowledge, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, University of Shiraz, Shiraz, Iran omidi.ahad@gmail.com
Rahim Naroei Nosrati / Associate Professor in Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran naroei@iki.ac.ir
Sayyid Ahmad Rahnamaei / Associate Professor in Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran ahnamaei@iki.ac.ir

Abstract

The current research was conducted with the aim of developing a psychological model of religious education based on Islamic sources. Three scientific methods were used including linguistic semantics, qualitative content analysis and descriptive contextualization method. First, the basic concepts of religious education were identified through semantic analysis and evaluated with the content validity indices (CVI), and the content validity ratio (CVR) was evaluated by five experts. Then the relevant documents were collected and selected for the final analysis after screening and evaluating the content. The data were analyzed using the qualitative content analysis method and in three stages of open, axial and selective coding, and 1164 open codes, 61 axial codes and 9 selective categories were identified. Components with sufficient scores were kept and invalid items were removed. The findings showed that the psychological model of religious education is based on

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل روان شناختی تربیت دینی بر اساس منابع اسلامی انجام شد. روش پژوهش از نظر هدف، تحقیق بنیادی و از نظر رویکرد، آمیخته‌ای از نوع کیفی - کمی است و با استفاده از سه روش علمی شامل معناشناسی زبانی، تحلیل محتوای کیفی و روش توصیفی زمینه‌یابی انجام شده است. ابتدا مفاهیم اولیه تربیت دینی از طریق تحلیل معنایی شناسایی و با شاخص‌های روایی محتوایی (CVI) و نسبت روایی محتوایی (CVR) توسط پنج کارشناس ارزیابی شدند؛ سپس مستندات مرتبط گردآوری و پس از غربالگری و ارزیابی محتوا، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند و ۱۱۶۴ کد باز، ۶۱ کد محوری و ۹ مقوله شناسایی گردید. مؤلفه‌های دارای نمرات کافی حفظ و موارد نامعتبر حذف شدند. یافته‌ها نشان داد که مدل روان شناختی تربیت دینی مبتنی بر دو عامل

"intrapersonal" and "extra-personal" factors, which prepare the ground for the components of "personal evolution of faith", "comprehensive monotheistic perception", "transcendence-oriented interpersonal interactions", "meaningful and purposeful worldly orientation" and "meaningful and purposeful perception of the hereafter" through "educational psychological strategies"; and the ultimate outcome of this education is "eternal happiness". This coherent and multidimensional model, relying on revelation and psychological teachings, cultivates the cognitive, emotional, behavioral and social dimensions of the learner and has the ability to be transformed into measurement tools and educational protocols.

Key words: religious education, psychological model, Islamic sources, validation.

«درون‌فردی» و «برون‌فردی» است که زمینه مؤلفه‌های «تکامل شخصی ایمانی»، «ادراک توحیدی فراگیر»، «تعاملات بین‌فردی تعالی‌محور»، «جهت‌گیری دنیوی معنادار و هدفمند» و «ادراک معنادار و هدفمند از آخرت» را از طریق «راهبردهای روان‌شناختی تربیتی» فراهم می‌سازد و پیامد نهایی این تربیت «سعادت ابدی» است. این مدل منسجم و چندبعدی با تکیه بر آموزه‌های وحیانی و روان‌شناختی، ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی متربی را پرورش داده و قابلیت تبدیل به ابزارهای سنجش و پروتکل‌های آموزشی را دارد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، مدل روان‌شناختی، منابع اسلامی، اعتباریابی.

مقدمه

تربیت از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار بوده (رابینتاج و آزادبونی، ۲۰۱۲، ص ۶۲۹) و از مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه زندگی افراد به‌شمار می‌آید (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴۰). تربیت ساحت‌های مختلفی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عقلانی و... دارد که اصلی‌ترین و مهم‌ترین آنها «تربیت دینی»^۲ است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۵). تربیت دینی در یک دسته‌بندی به دو معنای عام و خاص تقسیم می‌شود. معنای عام شامل ساحت‌های دیگر تربیت اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عقلانی و حتی بدنی و... می‌باشد و معنای خاص بر اساس ابعاد اصلی وجود انسان به پیش، گرایش و کنش به جنبه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری و ارادی تقسیم می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰؛ حیدری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۴). برخی از پژوهشگران وقتی اصطلاح تربیت دینی را به کار می‌برند، معنای عام آن را اراده می‌کنند که تمام ابعاد تربیتی در یک بستر دینی را دربر می‌گیرد و در این معنا با تربیت اسلامی هم‌معناست. برداشتی که از این تعریف مد نظر است، این است که فرد به‌گونه‌ای تربیت شود که شخصیت او متناسب با اهداف اسلامی مطرح‌شده در قرآن کریم و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام باشد؛

1. Rabinataj, S. A. & Azadboni, R. M.
2. religious education

به‌طوری‌که بتوان او را به‌عنوان مسلمان واقعی در تمام ابعاد زندگی از قبیل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، بدنی و... به‌حساب آورد. طبق این برداشت اصطلاح تربیت دینی بسیار گسترده و مرادف با تربیت اسلامی است که تمام مفاهیم اسلامی و دینی را دربر می‌گیرد.

اصطلاح تربیت دینی معنای محدودتر و دقیق‌تری نیز دارد که از آن به تربیت دینی به معنی‌الخاص تعبیر می‌شود. در این اصطلاح از میان همه ابعاد تربیتی، بیشتر جنبه اعتقادی، معنوی و ایمانی مورد تأکید قرار می‌گیرد. برای تمایز این نوع تربیت، آن را تربیت دینی ایمانی می‌نامند. منظور از این تعریف این است که شرایط تربیتی برای فرد ایجاد شود تا از ایمان بسیار عالی برخوردار شده و در بعد درونی ایمان ارتباط قلبی (شناختی و عاطفی) عمیقی با خالق جهان هستی داشته باشد و در بعد بیرونی و ظاهری پایبند به آداب و مناسک عملی دین باشد (زارعان، ۱۳۷۹، ص ۱۱). در این نگاه خاص، تربیت دینی دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است. بعد شناختی شامل شناختن، دانستن، اندیشیدن، فهمیدن و استدلال کردن می‌باشد و بعد عاطفی شامل احساس‌ها و انگیزش‌های فرد و بعد رفتاری مهارت‌هایی را دربر می‌گیرد که با اعمال اختیاری و هدف‌دار افراد سروکار دارد (تقوی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۷). این فرآیند، از بعد شناختی شروع می‌شود و در ادامه نگرش‌ها و گرایش‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در رفتار تجلی پیدا می‌کند (شاملی و همکاران، ۱۳۸۱). هدف غایی در تربیت دینی پرورش انسان دین‌دار است که فطرت دینیش شکوفا شده باشد (داودی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴)، و انسانی پرورش داده شود که مقرب درگاه الهی باشد، و بر اساس شاکله دینی که در او شکل گرفته است رفتارهای دینی ریشه‌دار از او سر بزنند، و به‌وسیله تربیت صحیح در مسیر هدف خلقت بشریت که همان قرب الهی و تکامل یافتگی است حرکت کند (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴۰). در این پژوهش منظور از تربیت دینی معنای خاص آن می‌باشد.

متخصصان حوزه تربیت دینی متناسب با مبانی فلسفی و تربیتی خود رویکردها، طبقه‌بندی‌ها، الگوها و مدل‌های متفاوتی را نسبت به تربیت دینی اتخاذ کرده‌اند (موحدی محصل طوسی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸) و تحقیقاتی را در این زمینه انجام داده‌اند. کشاورز (۱۳۸۴) با الهام گرفتن از معارف اسلامی و مبانی تعلیم‌وتربیت دینی هفت رویکرد فطرت‌گرا (تحقق توحید در اندیشه و عمل انسان)، عقل‌گرا (عقلایی ساختن کسب معرفت دینی و ایمان)، کمال‌گرا (شکوفا ساختن کمالات بالقوه انسان)، معنویت‌گرا (توجه به ایجاد فرصت‌های تجربه دینی)، ایمان‌گرا (کسب ایمان از طریق قوه تفکر و تعقل)، زیباگرا (توجه به زیباشناسی در تمام مراحل تعلیم‌وتربیت دینی) و جمع‌گرایی عقل و عرفان (تحقق رشد و کمال تربیت دینی در سایه عقل و عشق) در تربیت دینی معرفی می‌کند. سجادی (۱۳۸۴) با مبنا قرار

دادن دین‌داری و با محوریت روش‌های تربیت سه رویکرد مبتنی بر شهود، عقلانیت و عادت را معرفی می‌کند. هدف در رویکرد مبتنی بر شهود برقرار کردن رابطه‌ی وصالی بین فرد و دین است. در رویکرد عقلانی، عقلانی کردن کسب معرفت دینی و ایمان است و در رویکرد مبتنی بر عادت، شکل‌گیری رفتارهای دینی به صورت عادت است. حسنی (۱۳۸۶) تربیت دینی را بر اساس رویکردهای حاکم بر نظام آموزشی کشور به سه رویکرد کلی مناسکی (شکل‌گیری اعمال عبادی و عادت‌های دینی در فرد)، کلامی - اطلاعاتی (توجه به جنبه‌ی شناختی تربیت دینی) و پایش محیطی (حذف عوامل آسیب‌زننده و مزاحم از محیط تربیتی) دسته‌بندی کرده است.

باقری (۱۳۸۹) در یک طبقه‌بندی از تربیت دینی، دو رویکرد کلی تربیتی ذیل عنوان مکانیستی و ارگانیستی در حیطه‌ی آموزش و یادگیری اشاره می‌کند که بر تربیت دینی تسلط دارد. در رویکرد مکانیستی، شکل‌دهی رفتارهای خاص دینی در افراد به صورت شرطی‌سازی است و در رویکرد ارگانیستی توجه به جنبه‌ی ابزاری دانش انتقادی به معنای همراه ساختن شهود، عقل و عادت در قالب تجربه‌ی عملی ارزش‌ها، برای تربیت دینی پیشنهاد می‌کند. موسوی‌نسب (۱۳۹۰) برای تربیت دینی یک الگوی پنج مرحله‌ای از کسب صلاحیت، ایجاد ارتباط، دعوت به نگرش توحیدی، دعوت به زندگی دینی و ارزشیابی و تداوم تربیت را پیشنهاد می‌کند. کمیجانی و فریادرس (۱۳۹۴) ساختار تربیت دینی را به پنج مرحله‌ی انس دینی، عادت دینی، معرفت دینی، عمل به دستورهای دینی و خودجوشی دینی تقسیم کردند. در منابع غربی نیز پژوهش‌های نسبت به تربیت دینی صورت گرفته است. ویجایا^۱ (۲۰۲۱) به مدل تربیت اسلامی در مدرسه از دیدگاه فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته است. میزانی و همکاران^۲ (۲۰۲۰) درک مدل تربیت اسلامی برای فرزندان، سیاخانی^۳ (۲۰۲۱) مدل تربیت اسلامی و هالیک^۴ (۲۰۱۶) پارادایم تربیت اسلامی در آینده، ادغام مدرسه‌ی شبانه‌روزی اسلامی و مدرسه‌ی مورد علاقه پرداخته‌اند. بیشتر پژوهش‌های غرب، تربیت دینی را به معنای آموزش دین در مدارس گرفته‌اند و به این می‌پردازند که آموزش دین در مدارس باید چگونه باشد و بیشتر تحت تأثیر دو رویکرد اعترافی به معنای یادگیری نحوه‌ی زندگی مطابق با اصول، اعتقادات و اعمال مذهبی خاص است و رویکرد مطالعات دینی که دانش فرد را در مورد ادیان تقویت می‌کند و هدف آن ارتقای رشد فردی، اخلاقی و معنوی دانش‌آموز و همچنین ساختن هویت دینی اوست

1. Wijaya, M. M.
2. Mizani, H. & et al.
3. Syakhrani, A. W.
4. Halik, A.

(برگلوند، شانیک و بوکینگ، ۲۰۱۶، ص ۲). همان‌طور که مشخص است با وجود دغدغه پژوهشگران نسبت به امر تربیت دینی، نظریات، رویکردها و طبقه‌بندی‌ها و الگو و مدل‌های متفاوتی ارائه شده که با توجه به ضعف مبانی فلسفی و نبود یک رویکرد جامع، برخی از آنها به حوزه تربیت دینی نزدیک می‌باشد و گاهی از آن فاصله می‌گیرد و بعضاً با همدیگر هم‌پوشانی داشته یا در تناقض با همدیگر قرار دارند (موحدی محصل طوسی، و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹).

با وجود اینکه تربیت دینی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان همواره مورد تأکید بوده است (آلدوین، ۲۰۰۹). با این حال، علی‌رغم تلاش‌های گسترده در حوزه پژوهش و اجرای برنامه‌های تربیتی، همچنان بحران‌های ایمانی و ضعف در شخصیت دینی افراد، ناکارآمدی بسیاری از مدل‌ها و روش‌های موجود را برجسته می‌کند (مهندی، مولیوتو و حسین، ۲۰۲۲). یکی از دلایل اصلی این ناکارآمدی، فقدان مدلی جامع و یکپارچه است که بتواند به ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و ایمانی تربیت دینی به‌صورت هماهنگ بپردازد. پژوهش حاضر با هدف طراحی مدلی روان‌شناختی و جامع در تربیت دینی، تلاش دارد این خلأ را با بهره‌گیری از منابع اسلامی برطرف سازد. این مدل با تلفیق آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی روان‌شناسی، رویکردی جامع و چندبعدی ارائه می‌کند که هم بر پایه آموزه‌های معتبر دینی استوار بوده و هم از پشتوانه علمی قوی برخوردار باشد. این مدل می‌تواند به تعالی فردی و اجتماعی، تقویت هویت دینی و ایمانی و سلامت معنوی فرد و جامعه کمک کرده و مسیری برای تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های صحیح اسلامی و علمی فراهم سازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، به لحاظ هدف از نوع تحقیقات بنیادی^۴ و به لحاظ رویکرد کیفی^۵ - کمی^۶ و مشتمل بر سه روش معناشناسی زبانی^۷، روش تحلیل محتوای کیفی سیه^۸ و شانون^۹ به شیوه تحلیل محتوای

1. Berglund, J., Shanneik, Y. & Bocking, B.

2. Aldwin, C. M.

3. Muhtadi, A., Mulyoto, M. & Hasyim, D.

4. fundamental research

5. qualitative research

6. quantitative research

7. language semantic

8. Hsieh, H. F.

9. Shannon, S. E.

عرفی^۱ و روش توصیفی زمینه‌یابی^۲ برای بررسی روایی محتوایی می‌باشد. جامعهٔ متنی پژوهش شامل کلیهٔ جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات، روایات و کتب مرتبط با تربیت دینی است. انتخاب آیات، روایات و کتب مرتبط با تربیت دینی به‌عنوان جامعهٔ متنی برای استخراج مؤلفه‌های تربیت دینی بر اساس معیارهای انجام شده است: الف) ارتباط با تربیت دینی: آیات، روایات و مطالب انتخاب‌شده باید به‌طور مستقیم و آشکار یا ضمنی و پنهان به تربیت دینی ارتباط داشته باشند؛ ب) اصالت و اعتبار: روایات استفاده‌شده بر اساس طبقه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۳) در منابع روایی جای دارند. بدین ترتیب، روایات سطح «الف» به‌طور مستقیم مورد استفاده قرار گرفته‌اند و روایات سطح «ب» به‌عنوان مؤید برای تأیید مطالب به‌کار رفته‌اند. جامعهٔ آماری پژوهش در بررسی روایی محتوایی شامل کارشناسان خبره‌ای است که در دو حوزهٔ تخصصی فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی از آگاهی و تخصص کافی برخوردار باشند.

نمونه‌گیری در این پژوهش غیرتصادفی و از نوع هدفمند بود. در روش‌های کیفی، نمونه‌گیری هدفمند یا معیار محور، متداول‌ترین روش نمونه‌گیری است. در این روش، واحدهای نمونه با هدف بازنمایی معیارهای کلیدی خاص انتخاب می‌شوند. هدف اصلی این نوع نمونه‌گیری، تضمین پوشش‌دهی تمام عناصر کلیدی مرتبط با موضوع تحقیق است (محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۳۵۳). در مرحلهٔ اول، حوزهٔ معنایی تشکیل شد و مفاهیم مرتبط با تربیت دینی به‌صورت هدفمند از میان منابع مربوطه انتخاب شدند؛ در مرحلهٔ دوم، مستندات قرآنی و روایی و کتب مرتبط جمع‌آوری شدند و جملات توصیفی - تبیینی مرتبط با هر یک از مفاهیم تربیت دینی بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند؛ در مرحلهٔ سوم، حجم نمونه مورد بررسی بر اساس اصل اشباع تعیین شد. به این ترتیب، هرگاه محقق در طول گردآوری داده‌ها به نتیجه برسد که مفاهیم تکرار می‌شود و مفاهیم جدیدی کشف نمی‌شود، فرایند جمع‌آوری داده‌ها را متوقف کرده و بر اساس همان داده‌های جمع‌آوری‌شده به تدوین مدل می‌پردازد (محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۲۸۶).

برای استخراج مفاهیم تربیت دینی از منابع اسلامی، از روش معناشناسی زبانی با دو شیوهٔ تحلیل مؤلفه‌ای^۳ و معناشناسی ساخت‌گرا^۴ بهره گرفته شد (لیونز،^۱ ۲۰۰۹، به نقل از: نوری و همکاران، ۱۳۹۵،

1. conventional content analysis
2. survey
3. componential analysis
4. constructivist semantics

ص ۱۱). تحلیل مؤلفه‌ای به تجزیه مفاهیم مرتبط با تربیت دینی و بررسی روابط میان آنها می‌پردازد. در معناشناسی ساخت‌گرا، معانی واژه‌ها از جمله روابطی مانند هم‌معنایی،^۲ چندمعنایی،^۳ تقابل معنایی،^۴ انتقال معنایی،^۵ تشکیل حوزه واژگانی^۶ و شمول معنایی^۷ در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌شود (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۵-۲۶). در این پژوهش با ترکیب این دو شیوه، مفاهیم مرتبط با تربیت دینی استخراج و به صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، با استفاده از منابع معتبر حدیثی و آثار برجسته علما تا سده پنجم هجری، داده‌ها با نرم‌افزارهای تخصصی استخراج و با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند؛ در گام بعد، با استفاده از روش توصیفی - زمینه‌یابی، میزان انطباق و ضرورت هر مؤلفه با مدل روان‌شناختی تربیت دینی توسط پنج کارشناس متخصص در حوزه علوم انسانی و روان‌شناسی و علوم تربیتی مورد ارزیابی قرار گرفت. به منظور سنجش روایی، از دو شاخص روایی محتوایی (CVI) و نسبت روایی محتوایی (CVR) بهره گرفته شد. برای شاخص CVI، متخصصان انطباق هر آیت را بر اساس چهار سطح «غیرمرتبط»، «نسبتاً مرتبط»، «مرتبط» و «کاملاً مرتبط» ارزیابی کردند. معیار پذیرش، CVI بالاتر از ۰/۷۹ بود و مؤلفه‌های با نمره کمتر از ۰/۷۰ حذف گردیدند، مؤلفه‌هایی که CVI بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۹ داشتند، نیاز به بازنگری تشخیص داده شدند. همچنین برای ارزیابی ضرورت هر مؤلفه از شاخص CVR استفاده شد. در این مرحله، کارشناسان هر مؤلفه را در سه سطح «ضروری است»، «مفید است، اما ضروری نیست» و «ضرورتی ندارد» ارزیابی کردند. در فرایند ارزیابی، برخی از گزینه‌ها به دلیل کسب نمرات پایین در CVI و CVR حذف شدند. باقی‌مانده‌ها که از نظر انطباق و ضرورت در مدل روان‌شناختی تربیت دینی تأیید شدند و از روایی مطلوب برخوردار بودند، به‌عنوان بخش‌های اصلی در تدوین مدل روان‌شناختی مورد استفاده قرار گرفتند. مراحل و گام‌های سپری‌شده برای تدوین مدل روان‌شناختی تربیت دینی بر اساس منابع اسلامی در شکل (۱) نشان داده شده است.

1. Lyons, J.
2. synonym
3. polysemy
4. semantic opposition
5. semantic shifting
6. lexical Field
7. hyponymy



شکل ۱: فرایند مراحل پژوهش

یافته‌های پژوهش

برای استخراج مؤلفه‌های مدل روان‌شناختی تربیت دینی، از منابع روایی درجه «الف» و «ب» بهره گرفته شد و منابع درجه «ج» به‌عنوان مؤید مورد استفاده قرار گرفتند. این منابع شامل آثار علمی برجسته علما تا سده پنجم هجری و متون حدیثی معتبر؛ همچون آثار ارزشمند شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی و سید رضی است؛ همچنین کتاب‌های معتبری نظیر نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، الکافی، الامالی، من لا یحضره الفقیه، علل الشرایع، معانی الاخبار، مکارم الاخلاق، توحید، تهذیب الأحکام، وافى و خصال را نیز شامل می‌شود. داده‌های استخراجی با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای جامع التفاسیر و جامع الاحادیث، تمامی مشتقات شامل تمامی اشکال فعلی (ماضی، مضارع، امر)، اسمی، اسم مفعول، صفت مشبیه و اسم تفضیل، با «الف و لام» یا بدون «الف و لام»

به‌دقت استخراج و با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. در مرحله نخست، کدهای باز بسیار زیادی شناسایی شد که داده‌های اولیه، با استفاده از رویکردهای علمی غربالگری و با حذف موارد تکراری یا نامرتب، پالایش شدند. ارزیابی داده‌ها بر اساس سه معیار علمی شامل «فهم معنای ظاهری متن»، «تبیین مقصود اصلی منابع» و «شناسایی دقیق ابعاد روان‌شناختی» که مرتبط با تربیت دینی باشد، انجام شد. در نهایت، با اجرای دقیق فرایند غربالگری و مدیریت علمی داده‌ها، تعداد کدهای باز اولیه به ۱۱۶۴ مورد تقلیل یافت؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم استخراج‌شده بر اساس شباهت‌ها و روابط معنایی بررسی شده و ۶۱ کد محوری و ۹ کد انتخابی نمره لازم را برای تدوین مدل روان‌شناختی تربیت دینی به‌دست آوردند. برای ارزیابی روایی مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در مدل روان‌شناختی تربیت دینی، این مؤلفه‌ها به گروهی از کارشناسان خبره علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم تربیتی ارائه شد. جهت ضرورت و تطابق مؤلفه‌ها، از دو شاخص مهم روایی محتوایی (CVI) و نسبت روایی محتوایی (CVR) استفاده شد. در این فرآیند، کارشناسان با توجه به معیارهای علمی و تخصصی، نظرات خود را در مورد هر مؤلفه ارائه کردند. مؤلفه‌های به‌دست‌آمده و نتایج آن در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول ۱: گزارش نتیجه ارزیابی «CVI» و «CVR» مدل روان‌شناختی تربیت دینی

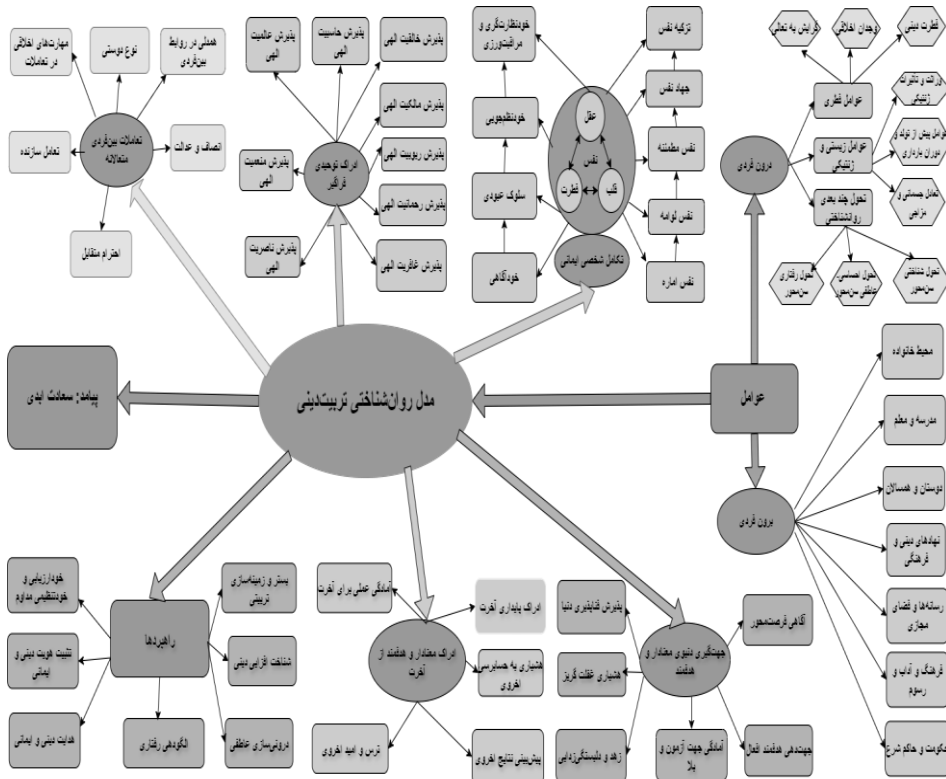
میانگین نمرات کارشناسان	وضعیت	نمره CVR	وضعیت	نمره CVI	تعداد کارشناسان	محاسبه «CVI» و «CVR» مدل روان‌شناختی تربیت دینی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	عوامل درون‌فردی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	الف) عوامل فطری
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	فطرت دینی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	وجدان اخلاقی
۳/۲۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	گرایش به تعالی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	ب) عوامل زیستی و ژنتیکی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	وراثت و عوامل ژنتیکی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	عوامل پیش از تولد و دوران بارداری
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	تعادل جسمانی و مزاجی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	ج) تحول چندبعدی روان‌شناختی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	تحول شناختی سن‌محور
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	تحول احساسی - عاطفی سن‌محور
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	تحول رفتاری سن‌محور
۲/۶۰	رد	-۰/۲۰	رد	-۰/۶۰	۵	انگیزه‌ها و نیازهای وجودی
۳/۶۰	رد	-۰/۲۰	تأیید	-۰/۸۰	۵	انگیزش درونی
۲/۸۰	رد	-۰/۶۰	رد	-۰/۶۰	۵	نیاز به معنا و هدف
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	عوامل برون‌فردی

میانگین نمرات کارشناسان	وضعیت	نمره CVR	وضعیت	نمره CVI	تعداد کارشناسان	محاسبه «CVI» و «CVR» مدل روان شناختی تربیت دینی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	محیط خانواده
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	مدرسه و معلم
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	دوستان و همسالان
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	نهادهای دینی و فرهنگی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	رسانه‌ها و فضای مجازی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	فرهنگ و آداب و رسوم
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	حکومت و حاکم شرع
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	تکامل شخصی ایمانی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	عقل
۳/۶۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	قلب
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	نفس اماره بالسوء
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	نفس لوامه
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	نفس مطمئه
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	جهاد نفس
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	ترکیه نفس
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	فطرت
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	خودآگاهی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	سلوک عبودی
۴	رد	۰/۲۰	رد	۰/۶۰	۵	پرورش فضایل اخلاقی و معنوی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	خودنظم جویی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	خودنظارت گری و خودمراقبت ورزشی
۳/۴۰	رد	۰/۲۰	تأیید	۱	۵	غفلت و آسیب پذیری
۲/۴۰	رد	۰/۶۰	رد	۰/۴۰	۵	ناپهنجاری‌های اخلاقی و معنوی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	ادراک توحیدی فراگیر
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پذیرش خالقیت الهی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پذیرش مالکیت الهی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پذیرش رحمانیت الهی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پذیرش غافریت الهی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پذیرش ناصریت الهی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پذیرش منعمیت الهی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پذیرش عالمیت الهی
۳/۶۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پذیرش حاسبیت الهی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	تعاملات بین فردی تعالی محور
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	نوع دوستی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	همدلی در روابط بین فردی

میانگین نمرات کارشناسان	وضعیت	نمره CVR	وضعیت	نمره CVI	تعداد کارشناسان	محاسبه «CVI» و «CVR» مدل روان‌شناختی تربیت دینی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	انصاف و عدالت
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	تعامل سازنده
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	احترام متقابل
۴	رد	۰/۲۰	رد	۰/۶۰	۵	توجه به نیازهای مشترک انسانی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	مهارت‌های اخلاقی در تعاملات اجتماعی
۲/۴۰	رد	۰/۶۰	رد	۰/۴۰	۵	مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	جهت‌گیری دنیوی معنادار و هدفمند
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	آگاهی فرصت‌محور
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	جهت‌دهی هدفمند افعال
۲/۴۰	رد	۰/۶۰	رد	۰/۴۰	۵	مسئولیت‌پذیری متدینانه
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	آمادگی جهت آزمون و بلا
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	زهد و دلبستگی‌زدایی از دنیا
۳/۶۰	رد	۰/۶۰	تأیید	۱	۵	نگرش ابزاری به دنیا
۳/۶۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	هشیاری غفلت‌گریز
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پذیرش فناپذیری دنیا
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	ادراک معنادار و هدفمند از آخرت
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	ادراک پایداری آخرت
۳/۶۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	هشیاری به حسابرسی اخروی
۳/۶۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پیش‌بینی نتایج اخروی
۲/۴۰	رد	۰/۶۰	رد	۰/۴۰	۵	مراقبه اخروی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	ترس و امید اخروی
۴	رد	۰/۲۰	تأیید	۱	۵	طلب سعادت ابدی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	آمادگی عملی برای آخرت
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	راهبردهای روان‌شناختی تربیت دینی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	بستر و زمینه‌سازی تربیتی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	شناخت‌افزایی دینی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	درونی‌سازی عاطفی
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	الگودهی رفتاری
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	هدایت دینی و ایمانی
۳/۸۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	تثبیت هویت دینی و ایمانی
۳/۶۰	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	خودارزیابی و خودتنظیمی مداوم
۴	تأیید	۱	تأیید	۱	۵	پیامد: سعادت ابدی

همان‌طور که از جدول (۱) مشخص است، در ارزیابی روایی محتوایی مدل روان‌شناختی تربیت دینی با استفاده از شاخص‌های CVI و CVR، برخی مؤلفه‌ها به دلیل عدم کسب نمرات لازم حذف، اصلاح یا جابه‌جا شدند. در عوامل درون‌فردی مؤثر بر تربیت دینی، «انگیزه‌ها و نیازهای وجودی»، «انگیزش درونی» و «نیاز به معنا و هدف» حذف شدند. در مؤلفه تکامل شخصی ایمانی، «پرورش فضایل اخلاقی و معنوی»، «غفلت و آسیب‌پذیری» و «تابهنجاری اخلاقی و معنوی» نمره کافی به دست نیاوردند و از مدل کنار گذاشته شدند؛ همچنین در مؤلفه تعاملات بین‌فردی متعالی، «توجه به نیازهای مشترک انسانی» و «مسئولیت‌پذیری متدینانه» به دلیل عدم احراز نمره لازم حذف شدند. در مؤلفه جهت‌گیری دنیوی معنادار و هدفمند نیز، «نگرش ابزاری به دنیا» حذف شد. در نهایت، در مؤلفه ادراک معنادار و هدفمند از آخرت، «مراقبه اخروی» و «طلب سعادت ابدی» نیز، به دلیل عدم کسب نمره کافی کنار گذاشته شدند. مؤلفه‌هایی که بر اساس شاخص‌های CVI و CVR انطباق و ضرورت آنها تأیید شدند، به‌عنوان بخش‌های اصلی و ضروری مدل روان‌شناختی تربیت دینی حفظ شدند. بنابراین این مؤلفه‌های استخراج‌شده از روایی مطلوب برخوردار بوده و صلاحیت لازم برای قرار گرفتن در مدل روان‌شناختی تربیت دینی بر اساس منابع اسلامی را دارا شدند.

در ادامه این مدل باید به‌گونه‌ای طراحی شود که ابعاد و مؤلفه‌های روان‌شناختی تربیت دینی را به‌طور دقیق و منسجم معرفی کند و ارتباطات درونی آنها را در قالب یک ساختار نظری روشن و نظام‌مند بازنمایی نماید. در مراحل کدگذاری باز، مفاهیم اصلی و ابتدایی از منابع اسلامی شامل آیات قرآن، روایات معصومان علیهم‌السلام و متون مرتبط با تربیت دینی استخراج و دسته‌بندی شدند تا شواهد اولیه برای درک مفهوم تربیت دینی به‌طور کیفی به دست آید. در مرحله کدگذاری محوری، این مفاهیم و کدهای اولیه بر اساس روابط منطقی و مفهومی میان آنها به محورهای اصلی و فرعی طبقه‌بندی شدند که موجب شفاف‌سازی ساختار مفهومی تربیت دینی در ابعاد مختلف روان‌شناختی گردید. پس از آن، در مرحله کدگذاری انتخابی، محورهای کلیدی انتخاب و در قالب یک مدل یکپارچه و منسجم گنجانده شدند. مدل نهایی در شکل (۲) ارائه شده است که به‌طور بصری ارتباطات میان مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف تربیت دینی را به‌طور واضح و نظام‌مند نمایش می‌دهد.



شکل ۲: مدل روان‌شناختی تربیت دینی بر اساس منابع اسلامی

همان‌طور که از شکل (۲) مشخص است، مدل روان‌شناختی تربیت دینی بر اساس منابع اسلامی، مدلی جامع و فراگیر است که تمام ابعاد وجودی متربی را در سطوح شناختی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی پوشش می‌دهد و بر اساس تعامل هماهنگ میان مؤلفه‌ها، به تربیت دینی او می‌پردازد. این مدل از اجزای متعددی تشکیل شده است که عوامل تأثیرگذار به دو بخش «درون فردی» و «برون فردی» تقسیم می‌شوند. عوامل «درون فردی» شامل سه دسته هستند: الف) عوامل فطری (فطرت دینی، وجدان اخلاقی، گرایش به تعالی؛ ب) عوامل زیستی و ژنتیکی (وراثت و عوامل ژنتیکی، عوامل پیش از تولد و دوران بارداری، تعادل جسمانی و مزاجی؛ ج) تحول چندبعدی روان‌شناختی (تحول شناختی سن محور، تحول احساسی - عاطفی سن محور، تحول رفتاری سن محور). عوامل «برون فردی» نیز شامل (محیط خانواده، مدرسه و معلم، دوستان و همسالان، نهادهای دینی و فرهنگی، رسانه‌ها و فضای مجازی، فرهنگ و آداب و رسوم، حکومت و حاکم شرع) است. یکی از مؤلفه‌های اصلی این مدل، «تکامل شخصی ایمانی» است که بر ساختار روان‌شناختی شخصیت متربی استوار بوده و شامل عناصر

مهمی همچون (نفس، نفس اماره، نفس لوامه، نفس مطمئنه، جهاد نفس، تزکیه نفس)، (فطرت، عقل، قلب)، (خودآگاهی، سلوک عبودی، خودنظم‌جویی، خودنظارت‌گری و مراقبت‌ورزی) است که همگی در پیشبرد تکامل ایمانی متربی نقش اساسی دارند. مؤلفه دیگر، «ادراک توحیدی فراگیر» است که شامل (پذیرش خالقیت، مالکیت و ربوبیت الهی) و تجلی آن در صفاتی همچون (رحمانیت، غافریت، ناصریت، منعمیت، عالمیت، حاسبیت الهی) می‌باشد. همچنین «تعاملات بین‌فردی تعالی محور» به‌عنوان مؤلفه‌ای دیگر، شامل (نوع‌دوستی، همدلی در روابط بین‌فردی، انصاف و عدالت، تعامل سازنده، احترام متقابل و مهارت‌های اخلاقی در تعاملات اجتماعی) است. «جهت‌گیری دنیوی معنادار و هدفمند» نیز، شامل (آگاهی فرصت‌محور، جهت‌دهی هدفمند افعال، آمادگی برای آزمون و بلا، زهد و دلبستگی‌زدایی از دنیا، هشیاری غفلت‌گریز، پذیرش فناپذیری دنیا) است. «ادراک معنادار و هدفمند از آخرت» نیز، به مؤلفه‌هایی نظیر (ادراک پایداری آخرت، هشیاری به حسابرسی اخروی، پیش‌بینی نتایج اخروی، ترس و امید اخروی، آمادگی عملی برای آخرت) اشاره دارد. راهبردهای روان‌شناختی تربیت دینی نیز، شامل (بسترسازی تربیتی، شناخت‌افزایی دینی، درونی‌سازی عاطفی، الگودهی رفتاری، هدایت دینی و ایمانی، تثبیت هویت دینی و ایمانی، خودارزیابی و خودتنظیمی مداوم) است و پیامد نهایی این مدل دستیابی به سعادت ابدی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل روان‌شناختی تربیت دینی بر اساس منابع اسلامی انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن بود عوامل مؤثر بر تربیت دینی به دو دسته «درون‌فردی» و «برون‌فردی» تقسیم می‌شوند. از جمله عوامل درون‌فردی، «عوامل فطری» است که شامل «فطرت دینی»، «وجدان اخلاقی» و «گرایش به تعالی» می‌باشد. «فطرت دینی» بیانگر این نکته است که گرایش به توحید و دین‌داری به‌عنوان ساختاری ذاتی در وجود انسان قرار دارد (روم: ۳۰). این فطرت از لحظه تولد در انسان نهفته است و با تربیت و تجربه‌های زندگی رشد می‌کند. فطرت دینی به‌عنوان یک انگیزش درونی، متربی را به‌سوی شناخت خداوند و دستیابی به هدف نهایی حیات، یعنی قرب الهی سوق می‌دهد. این ویژگی به متربی توانایی مقاومت در برابر انحرافات بیرونی را می‌بخشد و زمینه پذیرش اصول و ارزش‌های دینی و ایمانی را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، تربیت دینی از یک فرآیند تحمیلی به تجربه‌ای طبیعی و عمیق تبدیل می‌شود. «وجدان اخلاقی» به‌عنوان یک سازوکار روان‌شناختی، توانایی متربی را در تشخیص درست از نادرست و تنظیم رفتار بر اساس این تشخیص توصیف می‌کند. این سازه که در نظریات روان‌تحلیل‌گری فروید و رشد اخلاقی کلبه‌گ مطرح شده است، به‌عنوان عاملی درونی، رفتارهای متربی

را با هنجارهای اخلاقی هماهنگ می‌سازد و متربی را به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی فراتر از منافع شخصی سوق می‌دهد. در تربیت دینی، وجدان اخلاقی نقشی اساسی ایفا می‌کند و به متربی کمک می‌کند تا در مواجهه با موقعیت‌های تعارض‌آمیز میان رفتارهای خوب و بد، اعمال خود را با آموزه‌های دینی منطبق سازد (شمس: ۸۷). «گرایش به تعالی» به‌عنوان تمایل درونی انسان برای جست‌وجوی معنا و ارتباط با امری فراتر از خود، در تربیت دینی نقش اساسی دارد. روان‌شناسانی چون ویکتور فرانکل و کارل راجرز این گرایش را در نظریات خود به‌عنوان بخشی از ذات انسان مورد تأکید قرار داده‌اند. فرانکل در «معنادرمانی» و راجرز در «خودشکوفایی» انسان را موجودی معناجو می‌دانند که به دنبال تعالی و رسیدن به سطوح بالاتر فهم و وجود است. در تربیت دینی، این گرایش با تقویت ارتباط متربی با خداوند و ارزش‌های متعالی، هویت دینی او را شکل می‌دهد. چنین تربیتی فراتر از انتقال دانش دینی است و متربی را به‌سوی زندگی‌ای معنادار و هدفمند سوق می‌دهد. قرآن نیز در آیاتی مانند «قد أفلح المؤمنون» (مؤمنون: ۱) و «قد أفلح من زکاه» (شمس: ۹) به این میل به تعالی اشاره می‌کند و متربی را به‌سوی تعالی ایمانی فرا می‌خواند. این گرایش به‌عنوان نیروی محرکه، متربی را از محدودیت‌های مادی فراتر می‌برد و او را به ارزش‌های ایمانی و ابدی سوق می‌دهد. از جمله عوامل درون‌فردی مؤثر در تربیت دینی، عوامل «زیستی و ژنتیکی» است که نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت و گرایش‌های دینی متربی دارند. وراثت به‌عنوان انتقال ویژگی‌های جسمانی، روانی، گرایش‌های شناختی و رفتاری از نسل‌های پیشین، همواره در آموزه‌های دینی و روان‌شناسی مورد تأکید قرار گرفته است. در این راستا، انتخاب همسر مؤمن، بااخلاق و تقوای والدین نقش بسزایی در شکل‌گیری این ویژگی‌ها در نسل‌های بعدی دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۸۱). همچنین عوامل پیش از تولد و دوران بارداری نقش اساسی در تربیت دینی دارند. تغذیه حلال مادر و شرایط روانی او می‌تواند بر رشد شخصیت ایمانی جنین تأثیرگذار باشد. تعادل جسمانی و مزاجی نیز به‌عنوان پیش‌نیاز دین‌داری، مورد توجه متون دینی و نظریه‌های روان‌شناسی قرار دارد. پرهیز از پرخوری، اعتدال در خواب (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۱۲؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۴۰) و ویژگی‌های بدنی و مزاجی مختلف، مانند انرژی افراد با مزاج گرم یا آرامش افراد با مزاج سرد، می‌تواند بر تمایلات دینی و آمادگی متربی برای پذیرش ارزش‌های ایمانی تأثیرگذار باشد. این عوامل به والدین و مربیان کمک می‌کنند تا جنبه‌های مثبت شخصیت ایمانی را تقویت، گرایش‌های منفی را مدیریت و رویکردهای تربیتی متناسب با تفاوت‌های فردی را برگزینند.

تحول چندبعدی روان‌شناختی یکی از عوامل درون‌فردی مؤثر در تربیت دینی است که شامل تحول شناختی، احساسی - عاطفی و رفتاری متناسب با سن می‌باشد. «تحول شناختی سن‌محور»، بر اساس نظریه‌های روان‌شناختی مانند پیاژه، به تغییرات کیفی و کمی در توانایی‌های شناختی متربی از دوران

نوباوگی تا بزرگسالی اشاره دارد و بر درک و تفسیر مفاهیم دینی تأثیر می‌گذارد. در دوران نوباوگی (۲-۰ سال)، کودک قادر به درک مفاهیم انتزاعی نیست و از طریق تجربیات حسی - حرکتی با محیط ارتباط برقرار می‌کند. در این سن، تربیت دینی با ایجاد محیطی آرام و آشنا کردن کودک با نمادهای دینی مانند شنیدن صدای اذان یا قرآن آغاز می‌شود. کودکی اول (۲-۷ سال) در مرحله پیش‌عملیاتی، توانایی تفکر منطقی و درک مفاهیم پیچیده وجود ندارد (واتس، ۲۰۲۰).^۱ متربی به قصه‌ها، تصاویر و نمادهای دینی واکنش مثبت نشان می‌دهد و مفاهیم ساده‌ای مانند صداقت، محبت و احترام را می‌آموزد. داستان‌های پیامبران و بازی‌های مذهبی ابزارهای مؤثری برای آموزش در این سن هستند. تکرار شعائر دینی مانند نماز، هرچند در سطح تقلید باشد، اما به تدریج درونی‌سازی این رفتارها را تسهیل می‌کند. کودکی دوم (۷-۱۱ سال)، این دوره که عملیات عینی نامیده می‌شود (وایت‌هاوس، ۲۰۰۸)، متربی قادر به تفکر منطقی و درک روابط علت و معلولی است. مفاهیمی مانند عدالت، احسان و بخشش را می‌توان با رویدادهای روزمره پیوند داد. در این سن، پاسخ‌دهی به سؤالات دینی اهمیت زیادی دارد؛ چراکه متربی به دنبال فهم عمیق‌تر از مسائل ایمانی است. تربیت دینی در این مرحله باید شامل آموزش مفاهیم دینی ملموس و مرتبط با زندگی روزمره باشد. نوجوانی (۱۲-۱۸ سال)، در این مرحله که به عملیات صوری معروف است، متربی به تفکر انتزاعی و منطقی دست می‌یابد و می‌تواند مسائل فلسفی و ایمانی را بررسی کند. این دوره، زمان هویت‌یابی و پرسشگری درباره معنای زندگی و دین است. تربیت دینی باید شامل بحث‌های باز و منطقی درباره مفاهیم اساسی دین باشد و فضایی برای تفکر انتقادی و گفت‌وگو فراهم آورد. الگوسازی از شخصیت‌های دینی نیز، می‌تواند در تقویت هویت دینی مؤثر باشد. جوانی و بزرگسالی (۱۸ سال به بالا)، در این مرحله متربی به بالاترین سطح تحول شناختی می‌رسد و می‌تواند مسائل پیچیده فلسفی و اخلاقی را تحلیل کند. تربیت دینی باید بر تفکر انتقادی، حل تعارضات دینی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی متمرکز باشد. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی به تقویت هویت دینی و ایمانی کمک می‌کند (واتس، ۲۰۲۰).

«تحول احساسی - عاطفی سن‌محور» در تربیت دینی نقش مهمی در فرایند تربیت دینی ایفا می‌کند و بر شکل‌گیری ادراکات، تعاملات و رفتارهای دینی متربی تأثیر مستقیم دارد. در نتیجه، هماهنگی تربیت دینی با تحولات احساسی و عاطفی متربی در هر مرحله رشدی، به تقویت هویت ایمانی و پایبندی دینی کمک می‌کند. دوران نوباوگی (۲-۰ سال)، در این مرحله بر اساس نظریه اریکسون، شکل‌گیری اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی، پایه‌گذار احساس امنیت است. ارتباط عاطفی مثبت

والدین با کودک، حس اعتماد به خداوند را به‌طور ناخودآگاه در او تقویت می‌کند و احساساتی مانند آرامش و محبت، زمینه‌ساز باورهای آینده می‌شود. کودکی اول (۲-۷ سال)، در این دوره متربی از طریق مشاهده و تقلید، احساساتی مانند عشق و ترس نسبت به مفاهیم دینی پیدا می‌کند. تشویق عاطفی و استفاده از داستان‌های دینی، پیوندی احساسی میان کودک و آموزه‌های دینی ایجاد می‌کند که به تقویت احساس تعلق به دین منجر می‌شود. کودکی دوم (۷-۱۱ سال)، احساسات متربی در این مرحله پیچیده‌تر شده و او قادر به درک مفاهیمی مانند احساس گناه و پشیمانی می‌شود. تشویق به اعمال دینی و تقویت احساس لذت معنوی می‌تواند به تحکیم ارتباط عاطفی متربی با دین منجر شود. نوجوانی (۱۲-۱۸ سال) دوره‌ای بحرانی است که در آن هویت‌یابی و پرسشگری معنوی نقش پررنگی دارند. تجربه تضادهای درونی و نیاز به تعلق به گروه‌های دینی، از ویژگی‌های این دوره است. پاسخ به سؤالات عاطفی نوجوانان و ایجاد تجربه‌های معنوی جمعی در تثبیت باورهای دینی آنها مؤثر است. جوانی و بزرگسالی (۱۸ سال به بالا)، در این مرحله احساسات به ثبات نسبی می‌رسد و تجربه‌های معنوی عمیق‌تر می‌شوند. ارتباط عاطفی با مفاهیم دینی از طریق اعمال عبادی و تأملات معنوی تقویت می‌شود و به آرامش و رضایت درونی می‌انجامد (کامینز و استیل،^۱ ۲۰۲۱).

«تحول رفتاری سن‌محور» در طول مراحل مختلف رشد، به‌ویژه از منظر روان‌شناسی رشد و آموزه‌های دینی، نقش مهمی در تربیت دینی دارد. این تحول در هر مرحله‌ی رشدی با تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی همراه است که به‌طور مستقیم بر نحوه‌ی درونی‌سازی ارزش‌های دینی تأثیر می‌گذارد. تربیت دینی باید متناسب با این تغییرات برنامه‌ریزی شود تا هویت ایمانی متربی به‌صورت تدریجی و پایدار تثبیت گردد. دوران نوباوگی (۰-۲ سال)، رفتار کودک عمدتاً بر اساس غرایز و نیازهای فطری شکل می‌گیرد و این مرحله دوران وابستگی مطلق متربی به محیط پیرامون است که در آن، پیوند عاطفی با والدین پایه‌های اساسی اعتماد و امنیت روانی را می‌گذارد. بر اساس نظریه‌ی دلبستگی بالبی رفتارهای محبت‌آمیز و مراقبت‌های صبورانه‌ی والدین، زمینه‌ای برای شکل‌گیری حس اطمینان به قدرتی فراتر از خود در کودک فراهم می‌کند. در این سن، کودک از طریق تماس‌های عاطفی و نوازش‌های محبت‌آمیز، اولین مفاهیم حضور و حمایت الهی را به‌طور ضمنی تجربه می‌کند. این تجربیات اولیه، پایه‌های ایمانی اولیه را در ذهن ناخودآگاه کودک شکل می‌دهند. در دوره‌ی کودکی اول (۲-۷ سال) توانایی‌های شناختی و حرکتی بیشتری پیدا می‌کند و به شدت به تقلید از الگوهای رفتاری اطرافیان می‌پردازد. از نظر بندورا یادگیری در این سن از طریق مشاهده و تعامل با محیط اجتماعی صورت

می‌گیرد. رفتارهای دینی همچون نماز، دعا و رعایت ادب، به‌عنوان رفتارهای مشاهده‌شده از والدین و مربیان، به‌تدریج در کودک درونی می‌شوند. پاداش‌های مثبت، همچون تحسین و تشویق، نقش مهمی در تثبیت این رفتارها ایفا می‌کنند و موجب می‌شوند که کودک رفتارهای دینی را به بخشی از هویت در حال شکل‌گیری خود تبدیل کند. کودکی دوم (۷-۱۱ سال)، این دوره زمانی است که مربی به توانایی تشخیص میان رفتارهای درست و نادرست دست می‌یابد. بر اساس نظریه کلبه‌گ در مورد رشد اخلاقی، کودک در این مرحله به سطحی از قضاوت اخلاقی می‌رسد (موت، ۱۹۷۸) که رفتارهایش را بر اساس اصول و ارزش‌های دینی هدایت می‌کند. تربیت دینی در این سن باید با ارائه الگوهای مثبت دینی و تشویق به پذیرش مسئولیت‌های دینی همراه باشد. مربی باید فرصت‌هایی برای مشارکت فعال در فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی داشته باشد تا بتواند رفتارهای دینی را به‌صورت تجربی و عملی تقویت کند. نوجوانی (۱۲-۱۸ سال)، دوره‌ای حساس و بحرانی در تحول هویت دینی است. مطابق با نظریه اریکسون نوجوانان در این سن در جست‌وجوی هویت و معنا هستند و به پرسش‌های اساسی درباره باورهای دینی خود می‌پردازند. در این مرحله، فراهم کردن فضایی برای گفت‌وگو و تعامل درباره مسائل ایمانی و دینی ضروری است. نوجوانان به دنبال الگوهای الهام‌بخش و معتبر هستند و مشارکت در فعالیت‌های گروهی دینی می‌تواند نقش مهمی در تثبیت رفتارهای دینی آنها داشته باشد. جوانی و بزرگسالی (۱۸ سال به بالا)، در این مرحله رفتارهای دینی مربی به ثبات نسبی می‌رسند و بر اساس انتخاب‌های آگاهانه تقویت می‌شوند. بر اساس نظریه خودتعیین‌گری افراد در این سن به دنبال تجربه‌های معنوی و تحقق انگیزه‌های درونی هستند. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و دینی، مانند کمک به دیگران و انجام مسئولیت‌های اجتماعی، به تقویت هویت دینی و افزایش احساس تعلق به جامعه دینی کمک می‌کند (تورهان، ۲۰۲۳).

از دیگر یافته‌های پژوهش، تأثیر عوامل «برون‌فردی» در تربیت دینی مربی است. محیط خانواده به‌عنوان نخستین و تأثیرگذارترین عامل برون‌فردی تربیتی، از طریق الگوهای رفتاری، ارتباطات کلامی و تجربیات مذهبی، نقش اساسی در انتقال ارزش‌ها و هویت دینی و ایمانی ایفا می‌کند. طبق آیه قرآن: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخ حفظ کنید» (تحریم: ۶)، والدین مسئول تربیت دینی فرزندان هستند؛ همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بهترین چیزی که والدین می‌توانند به فرزندشان هدیه کنند، تربیت نیکو است» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق). تغذیه حلال از مال پاک، علاوه بر تأثیر

1. Motet, D.
2. Turhan, Z.

بر سلامت جسم، موجب تقویت روح دینی و ایمانی متربی می‌شود. از سوی دیگر، دعا و نیایش والدین برای فرزندان نیز، در هدایت دینی آنان مؤثر است؛ همان‌طور که در قرآن حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند برای فرزندانش طلب ایمان و توفیق کرده است (ابراهیم: ۴۰). این فرآیندها از منظر روان‌شناختی و یادگیری اجتماعی، به‌ویژه نظریه‌های بندورا (۱۹۷۷)، نشان می‌دهند که کودکان از طریق مشاهده و تقلید رفتارهای والدین، ارزش‌های دینی را درونی کرده و هویت دینی خود را شکل می‌دهند. بنابراین ایجاد فضایی دینی در خانواده که شامل مشارکت در مراسم مذهبی مانند قرآن‌خوانی و دعا باشد، می‌تواند به رشد دینی و ایمانی متربی کمک کرده و آنها را به‌سوی رفتارهای دینی و ایمانی هدایت کند (ایرهایس، نورسیا، اجوسمان و مینیر، ۲۰۲۴)^۱. مدرسه و معلم، دوستان و همسالان نهادهای دینی و فرهنگی، رسانه‌ها، آداب‌ورسوم و حکومت، از دیگر عوامل برون‌فردی مؤثر در تربیت دینی هستند. این نهادها با ایجاد فضاهای مشارکت مذهبی، انتقال هنجارها و ارزش‌های دینی، و تقویت احساس تعلق، امنیت و خودکارآمدی دینی، به شکل‌گیری هویت دینی متربی کمک می‌کنند. اجتماعات دینی مانند مساجد و مدارس دینی از طریق یادگیری مشاهده‌ای و درونی‌سازی ارزش‌ها، رفتارهای دینی را تقویت می‌کنند (نلسون و یانگ، ۲۰۲۲)^۲؛ ضرابی، (۱۳۹۶). دوستان و همسالان، به‌ویژه در دوره نوجوانی، از طریق تعلق به گروه‌های دینی و تأمین نیازهایی مانند احساس تعلق، نقش مهمی در تقویت هویت دینی متربی دارند؛ هرچند روابط نامناسب می‌توانند فرد را از مسیر دینی منحرف سازند (فرقان: ۲۸). رسانه‌ها و فضای مجازی نیز با ارائه محتوای دینی یا غیردینی، باورها و نگرش‌های دینی متربی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این ابزارها، از طریق اقناع، تکرار و تشویق تفکر انتقادی، درک عمیق‌تر از دین را تسهیل و هیجان‌ات مثبت مانند عشق به دین و احساس تعلق به جامعه دینی را تقویت می‌کنند، اما نظارت بر محتوای آنها برای جلوگیری از انحرافات ضروری است (برقی و مستانه، ۱۳۹۷). همچنین آداب‌ورسوم مذهبی مانند عزاداری محرم و ماه رمضان، با ارائه تجربیات ملموس از مفاهیم دینی مانند فداکاری و صبر، به درونی‌سازی این مفاهیم در متربی کمک کرده و رفتارهای دینی پایدار ایجاد می‌کنند (بهرامی، ۱۳۸۷). حکومت دینی نیز با اعمال قوانین اسلامی و سیاست‌های حمایتی، بستری فراهم می‌کند که متربیان در آن قادر به درونی‌سازی ارزش‌های دینی باشند و هویت ایمانی خود را تقویت کنند.

یافته دیگر این پژوهش در مدل روان‌شناختی تربیت دینی، مؤلفه «تکامل شخصی ایمانی» بود. در آموزه‌های وحیانی، مفاهیمی همچون عقل، قلب، فطرت و نفس، با ویژگی‌های خاص خود، نقشی

1. Irhas, S., Nursiah, A., Ajusman, & Munir, M.
2. Nelson, J. & Yang, Y.

مهمی در تربیت دینی و تکامل ایمانی ایفا می‌کنند. نفس به‌عنوان محور اصلی دارای فطرتی ذاتی و پاک است که از جانب خدا نشئت می‌گیرد (روم: ۳۰) و زمینه‌ساز رشد شناختی، عاطفی و رفتاری متربی است. این فطرت نیاز به تربیت دینی دارد تا شکوفا شود، وگرنه تحت تأثیر دنیا و وسوسه‌های شیطانی کم‌رنگ می‌شود. از سوی دیگر، عقل و قلب دو کانون اساسی در انسان هستند. قلب به‌عنوان مرکز تمایلات و عواطف، می‌تواند به سمت تعالی یا سقوط سوق یابد؛ درحالی‌که عقل نقش هدایتگر و تعدیل‌کننده را بر عهده دارد. هماهنگی بین این دو کانون برای تکامل شخصی ایمانی ضروری است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص ۷۷۱-۷۷۳). گاهی این دو در تضاد قرار می‌گیرند و این تضاد موجب کشمکش درونی و تردید در انتخاب مسیر می‌شود. تربیت دینی برای هماهنگ‌سازی این دو کانون و مقاومت در برابر خواسته‌های نفسانی و شهوانی کاربرد دارد. علاوه بر این، در مسیر تکامل شخصی ایمانی، متربی باید از نفس اماره و نفس لوامه عبور کرده و به نفس مطمئنه برسد. این فرآیند نیازمند جهاد با نفس است. در مرحله اول، نفس اماره تسلط دارد و انسان تحت تأثیر تمایلات پست و وسوسه‌های شیطان قرار می‌گیرد. جهاد با نفس زمینه عبور از این مرحله را فراهم می‌کند و متربی به نفس لوامه وارد می‌شود؛ جایی که وجدان اخلاقی بیدار شده و فرد پس از گناه، خود را ملامت می‌کند. با استمرار در جهاد، متربی به نفس مطمئنه می‌رسد؛ جایی که آرامش درونی و رضایت قلبی را تجربه می‌کند و خواسته‌های نفسانی تحت کنترل عقل و ایمان قرار می‌گیرد. در نهایت، متربی با عبور از این مراحل به نفس مزکی می‌رسد که به بالاترین درجه تهذیب و تقوا نائل می‌شود و تکامل شخصی ایمانی را تحقق می‌بخشد. همچنین در تبیین مؤلفه تکامل شخصی ایمانی می‌توان گفت متربی برای رسیدن به تکامل شخصی ایمانی، از خودآگاهی آغاز کرده و به تدریج به سلوک عبادی، خودنظم‌جویی، خودنظارت‌گری و مراقبت‌ورزی می‌رسد. در مرحله خودآگاهی، متربی به درک عمیقی از ویژگی‌ها و تأثیرات درونی و بیرونی بر روان خود می‌رسد و توانایی تمایز میان تمایلات نفسانی و الهی را پیدا می‌کند (ذاریات: ۲۱)؛ سپس وارد مرحله سلوک عبادی می‌شود که در آن عبادات او از حالت عادت به عبادی آگاهانه و با اراده تبدیل می‌شود. این مرحله مقدمه‌ای برای انضباط درونی و خودنظم‌جویی است که در آن متربی با توانایی مدیریت نفس و مقاومت در برابر وسوسه‌ها، تعادلی میان تمایلات قلبی و محاسبات عقلی ایجاد می‌کند؛ در مرحله بعد، خودنظارت‌گری و مراقبت‌ورزی به متربی امکان می‌دهد تا بر افکار، اعمال و نيات خود نظارت کند و با حضور دائم در محضر الهی، به تکامل شخصی ایمانی دست یابد. این فرآیند نه تنها به کنترل رفتارها، بلکه به اصلاح نيات و پالایش قلب نیز توجه دارد.

«ادراک توحیدی فراگیر» به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در مدل روان‌شناختی تربیت دینی، نگرش عمیق متربی را نسبت به نقش خداوند در زندگی‌اش شکل می‌دهد و تمامی کنش‌ها و

واکنش‌های او را در راستای خدامحوری تنظیم می‌کند. این ادراک، با پذیرش خالقیت الهی آغاز می‌شود که به معنای اذعان به خداوند به‌عنوان آفریدگار کل هستی است (زمر: ۶۲). چنین ادراکی موجب درک وابستگی وجودی متربی به خداوند و فهم این نکته می‌شود که هیچ موجودی استقلال وجودی ندارد (ابراهیم: ۱۹). این آگاهی پیوند ایمانی قوی و احساس امنیت وجودی را در متربی تقویت می‌کند؛ سپس ادراک مالکیت الهی به‌عنوان مالک حقیقی همه چیز (طه: ۶) به متربی کمک می‌کند تا از توهم استقلال دور شده و به عبودیت و پذیرش نقش واقعی خود در هستی برسد (فاطر: ۱۵؛ ذاریات: ۵۶). این باور به مالکیت الهی، منابع زندگی را به‌عنوان ودیعه‌های الهی به متربی می‌شناساند که باید با مسئولیت‌پذیری از آنها برای رشد ایمانی خود استفاده کند و موجب تقویت خودکنترلی و خودتنظیمی روانی او می‌شود. در نتیجه، متربی با هشیاری بیشتری به تصمیم‌گیری و عمل می‌پردازد و تلاش می‌کند تا افکار، انگیزه‌ها و اعمال خود را با ارزش‌های دینی همسو کند.

خداوند علاوه بر خالقیت و مالکیت مخلوقات، ربوبیت و تدبیر آنان را نیز بر عهده دارد. پذیرش این باور که متربی تحت ربوبیت و تدبیر دائمی خداوند است، تأثیرات روان‌شناختی مهمی به همراه دارد و کنش‌ها و واکنش‌های متربی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از مصادیق ربوبیت الهی، رحمانیت خداوند است (اعراف: ۱۵۶). پذیرش رحمانیت الهی به‌عنوان نیروی انگیزشی درونی، حس وابستگی به خداوند را تقویت می‌کند و به متربی آرامش روانی می‌بخشد. این آرامش، متربی را از اضطراب‌های وجودی رهایی می‌دهد و او را به پذیرش مسئولیت‌های دینی با انگیزه‌ای عمیق و عشق به خداوند سوق می‌دهد. این فرآیند منجر به درونی‌سازی ارزش‌های دینی و خودفهمی ایمانی می‌شود؛ به‌طوری‌که رفتارهای متربی تجلی رحمانیت خداوند در زندگی اوست. خداوند که رحمان و رحیم در دنیا و آخرت است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۵۷)، بخشنده نیز می‌باشد (زمر: ۵۳). باور به غافرت الهی (زمر: ۵۳) احساس امنیت ایمانی و امید به اصلاح را در متربی تقویت کرده و او را به بازگشت و اصلاح رفتارهایش ترغیب می‌کند. این ادراک به متربی امکان می‌دهد تا در مواجهه با لغزش‌ها، به‌جای گرفتار شدن در چرخه گناه، با امید و اطمینان به خودشناسی و بهبود دینی پرداخته و کمالات ایمانی خود را ارتقا بخشد. خداوند که رحمان، رحیم و بخشنده گناهان است، برای هدایت متربی به مقصود نهایی خلقت، یاری خود را شامل حال او می‌کند (آل عمران: ۱۵۲). ادراک ناصرت الهی توسط متربی، به‌عنوان یکی از عناصر مهم تربیت دینی، حس وابستگی ایمانی و خودکارآمدی درونی او را تقویت می‌کند. باور به یاری‌رسانی دائمی خداوند، اعتماد درونی متربی را افزایش داده و او را در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های زندگی به تلاش و پایداری هدایت می‌کند. این ادراک، متربی را به پذیرش مسئولیت‌های دینی با اطمینان به پشتیبانی الهی ترغیب می‌نماید؛ همچنین خداوند امکانات لازم برای رسیدن متربی

به هدف خلقت را فراهم می‌سازد (ذاریات: ۵۸). ادراک منعمیت الهی، تأثیرات روان‌شناختی عمیقی بر رشد دینی متربی دارد و او را به دیدن جهان به‌عنوان جلوه‌ای از نعمت‌های الهی سوق می‌دهد. این نگرش، حس شکرگزاری و رضایت درونی متربی را تقویت کرده و نگرش‌های ایمانی مثبت مانند تواضع و سخاوت را در او شکل می‌دهد. متربی که به منعمیت خداوند باور دارد، به قدردانی از نعمت‌های الهی پرداخته و از آنها به‌طور بهینه در راستای تربیت دینی بهره می‌برد. ادراک عالمیت خداوند؛ به این معنا که خداوند بر همه چیز علم و آگاهی دارد (توبه: ۱۲۵)، از مؤلفه‌های مهم تربیت دینی متربی است که تأثیرات روان‌شناختی عمیقی بر رفتار و انگیزه‌های دینی او دارند. این باور به‌طور مستقیم موجب تقویت خودکنترلی و خودنظارتی در متربی می‌شود و او را به پایبندی بیشتر به ارزش‌های دینی و اجتناب از رفتارهای ناپسند هدایت می‌کند. این باور، ضمن ایجاد ترس سالم از ارتکاب خطا، احساس مسئولیت و تعهد درونی به اصلاح رفتار و رشد ایمانی را در او تقویت می‌کند. همچنین باور به حسابرسی دقیق خداوند (انعام: ۶۲) موجب تقویت خودآگاهی و انگیزه برای اصلاح رفتار و بازنگری در نیت و تصمیمات متربی می‌شود. این ادراک نه‌تنها از انحراف و لغزش‌های ایمانی جلوگیری می‌کند (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۱)، بلکه به‌طور مداوم و مثبت متربی را به‌سوی رشد درونی و تلاش برای کمال ایمانی سوق می‌دهد. در این فرآیند، باور به خالقیت، مالکیت و ربوبیت الهی به‌طور تدریجی منجر به پذیرش صفات مختلف الهی نظیر رحمانیت، غافریت، ناصریت، منعمیت، عالمیت و حاسبیت می‌شود. در نهایت، خداوند به‌عنوان حضوری فراگیر در ساختار روانی متربی سبب می‌شود تا متربی به‌سوی کمال ایمانی و سعادت نهایی خود هدایت شود.

در مدل روان‌شناختی تربیت دینی، مؤلفه «تعاملات بین‌فردی تعالی‌محور» به تقویت مهارت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری متربی و ارتقای توانمندی‌های اجتماعی او کمک می‌کند. اولین گام در این فرآیند رشد مهارت «نوع‌دوستی» است. قرآن کریم نوع‌دوستی که منجر به ایثار و ازخودگذشتگی می‌شود را ستایش می‌کند (حشر: ۹)؛ همچنین پیامبر اکرم ﷺ در روایتی می‌فرماید: «بالاترین ایمان آن است که برای برادر دینی خود، همان چیزی را بخواهی که برای خود می‌خواهی» (پاینده، ۱۳۶۳، ص ۷۵۴). نوع‌دوستی در تربیت دینی، متربی را از مرزهای منافع فردی عبور داده و به سمت ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر ایثار و تعاون سوق می‌دهد. گام بعدی، رشد مهارت «همدلی» است که به درک و هم‌آوایی با احساسات و نیازهای دیگران اشاره دارد و موجب تقویت روابط انسانی عمیق‌تر می‌شود (زاکی، ۲۰۲۰). در تربیت دینی، این مهارت به متربی کمک می‌کند تا در موقعیت‌های مختلف

رفتارهای همدلانه مانند عیادت از بیماران و تسلی دادن به مؤمنان را انجام دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۸ و ۶۵۴). همدلی با تنظیم هیجانی مرتبط است و متربی را قادر می‌سازد تا واکنش‌های متعادل‌تری در مواجهه با چالش‌های زندگی نشان دهد. سپس مؤلفه «انصاف و عدالت» در تعاملات بین‌فردی مطرح می‌شود. انصاف به تنظیم تعاملات بر اساس اصول عدالت اشاره دارد (داف، اسکارپا، زوپلوگلو و پرلنتسکی، ۲۰۲۴) و به متربی کمک می‌کند تا حقوق دیگران را به‌طور منصفانه در نظر بگیرد. پیامبر اکرم ﷺ نیز فرموده‌اند: «هیچ مؤمنی کامل نیست، مگر آنکه منصف باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۷). رعایت انصاف و عدالت در تعاملات اجتماعی، متربی را به تعادل ایمانی و روانی می‌رساند. از دیگر یافته‌های تعاملات بین‌فردی تعالی‌محور مؤلفه «تعامل سازنده» است. تعامل سازنده به معنای ارتباط مؤثر و همکاری برای حل تعارضات به‌صورت مسالمت‌آمیز است که قرآن در آیه ۲ سوره مائده بر آن تأکید دارد و روایات اهل‌بیت ﷺ نمونه‌هایی چون مصافحه و گفتار ملایم را معرفی می‌کنند. این مهارت در روان‌شناسی به‌عنوان ابزاری برای تقویت روابط اجتماعی و عزت‌نفس شناخته می‌شود. مؤلفه دیگر «احترام متقابل» که بر پذیرش تفاوت‌ها و برقراری روابط بر اساس عزت‌نفس تأکید دارد و در قرآن و روایات اسلامی نیز مورد تأکید است (بقره: ۸۳؛ اسراء: ۲۳). رفتارهای احترام‌آمیز مانند احترام به والدین و معلمان به تقویت فضائل ایمانی کمک می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۹۹). در نهایت، «رعایت مهارت‌های اخلاقی» مانند صداقت، وفای به عهد و خوش‌اخلاقی که در قرآن (انفال: ۵۶؛ حجرات: ۱۵) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۳۹) تأکید شده‌اند، باعث تقویت ایمان و جلوگیری از رفتارهای ناپسند در تعاملات اجتماعی می‌شود. این مهارت‌ها به متربی کمک می‌کند تا با درونی‌سازی اصول دینی و ایمانی، از رفتارهای ناسازگارانه پرهیز کرده و در مسیر تربیت دینی گام بردارد.

یافته دیگر پژوهش در مدل روان‌شناختی تربیت دینی، مؤلفه «جهت‌گیری دنیوی معنادار و هدفمند» است که مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها را شامل می‌شود و این مؤلفه‌ها به‌طور منظم و سیر منطقی از «آگاهی فرصت‌محور» تا «پذیرش فناپذیری دنیا» تنظیم شده‌اند. نخستین مؤلفه، «آگاهی فرصت‌محور» است که به درک متربی از فرصت‌های ایمانی و معنوی در زندگی دنیوی اشاره دارد. این هشجاری به متربی کمک می‌کند تا هر لحظه را فرصتی برای رشد ایمانی و تقرب به خداوند ببیند. قرآن کریم در سوره عصر و امام علی ﷺ در روایات‌های مختلف به اهمیت بهره‌برداری از فرصت‌ها تأکید دارند (عصر: ۱-۳؛ شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۱). بعد از آگاهی از فرصت‌ها، «جهت‌دهی هدفمند افعال»

مطرح است که به معنای انجام هر عمل با نیت الهی و هدفی فراتر از منافع دنیوی است. این مؤلفه در تربیت دینی به تقویت انگیزش درونی متربی برای تقرب به خداوند کمک می‌کند. قرآن کریم در آیه ۱۱۰ سوره کهف و پیامبر اکرم ﷺ نیز در حدیثی به نقش نیت در ارزشمندی اعمال تأکید کرده‌اند (کهف: ۱۱۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۸۳). پس از این مرحله، «آمادگی برای آزمون‌ها و بلاها» قرار دارد؛ جایی که متربی باید آماده رویارویی با مشکلات دنیوی و آزمون‌های الهی باشد. قرآن کریم در آیه ۲ سوره عنکبوت و آیه ۲ سوره ملک به آزمون‌ها و بلاهایی اشاره دارد که به‌عنوان فرصتی برای تقویت صبر و ایمان مؤمنان عمل می‌کنند. این امتحانات و بلاها برای هر مؤمنی پیش می‌آیند، و پیامبر اسلام ﷺ در حدیثی به این حقیقت اشاره کرده‌اند که بلاها گناهان مؤمن را پاک می‌کنند (پاینده، ۱۳۶۳، ص ۳۱۵). مؤمن باید از این آزمایش‌ها به‌عنوان ابزاری برای رشد و کمال ایمانی خود بهره‌برداری کند.

مؤلفه «زهد و دلبستگی‌زدایی از دنیا» در مدل روان‌شناختی تربیت دینی نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت دینی و ایمانی متربی دارد. این مؤلفه به کاهش وابستگی به امور مادی و توجه به ارزش‌های ایمانی اشاره دارد که موجب خودتنظیمی شناختی و هیجانی می‌شود. قرآن کریم در سوره حدید آیه ۲۳ به این نکته اشاره می‌کند که انسان نباید به آنچه از دست داده یا به‌دست آورده دل ببندد، بلکه باید نگاه خود را به ارزش‌های پایدار معطوف کند. در تربیت دینی، زهد به معنای ترک دنیا نیست، بلکه به معنای کنترل هیجانات و استفاده از امکانات در راستای اهداف متعالی است که باعث افزایش سطح ایمانی و خودآگاهی متربی می‌شود. مؤلفه بعدی، «هشیاری غفلت‌گریز» به معنای آگاهی دائم و بیداری ایمانی است که فرد را از غفلت نسبت به حقیقت‌های دینی و ایمانی حفظ می‌کند. قرآن کریم در آیه ۱۷۹ سوره اعراف غفلت را یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های انسانی معرفی می‌کند و تأکید دارد که افراد غافل در معرض فریب‌های شیطانی و دنیوی قرار می‌گیرند. برای مقابله با این وضعیت، متربی باید به آگاهی چندبعدی نیاز داشته باشد که شامل شناخت دام‌های شیطان و درک موقتی بودن دنیا است. یاد خدا، تدبیر در آیات قرآن و عبرت از تاریخ، ابزارهایی برای مقابله با غفلت و تقویت هشیاری غفلت‌گریز هستند.

مؤلفه «پذیرش فناپذیری دنیا»، به‌عنوان آخرین مؤلفه از جهت‌گیری دنیوی معنادار، به درک محدودیت‌ها و ناپایداری دنیا اشاره دارد. قرآن کریم در آیات مختلف، مانند سوره نحل (آیه ۹۶) و سوره کهف (آیه ۷)، دنیا را به‌عنوان پدیده‌ای گذرا و آزمایشی معرفی می‌کند. روایات اهل بیت ﷺ نیز دنیا را منزلگاهی موقت دانسته که باید در پی آخرت بود. پذیرش فناپذیری دنیا به متربی کمک می‌کند تا دلبستگی به امور مادی را کنار گذاشته و بر تقویت معنویت تمرکز کند. این نگرش باعث بهبود تاب‌آوری و سازگاری متربی در برابر چالش‌ها و مدیریت اضطراب‌های ناشی از مسائل دنیوی می‌شود. مجموعه این مؤلفه‌ها، از درک فرصت‌ها تا پذیرش فناپذیری دنیا، به متربی کمک می‌کند تا در تربیت دینی به درک عمیق و جامع از جایگاه خود در دنیا دست یابد.

یافته دیگر پژوهش در مدل روان‌شناختی تربیت دینی، مؤلفه «ادراک معنادار و هدفمند از آخرت» است که شامل مؤلفه‌های جزئی است که به‌طور منطقی متربی را از درک ابتدایی تا آمادگی عملی برای آخرت هدایت می‌کنند. نخستین مرحله، «ادراک پایداری آخرت» است که متربی را به درک آخرت به‌عنوان واقعیتی دائمی و پایدار سوق می‌دهد و باعث می‌شود که اعمال او هدفمندتر و معنادارتر شود. در قرآن کریم آخرت به‌عنوان «خیر و ابقی» و دنیا به‌عنوان «متاع قلیل» معرفی شده است (شوری: ۳۶)، و پیامبر اسلام ﷺ نیز آخرت را مقصد نهایی انسان می‌داند (پاینده، ۱۳۶۳، ص ۶۱۶)؛ در مرحله بعد، متربی به «هشیاری به حسابرسی اخروی» می‌رسد که به درک عمیق از حسابرسی اعمال در آخرت اشاره دارد. قرآن در آیه «هرکس به‌اندازه ذره‌ای کار خیر یا شر انجام داده باشد، آن را خواهد دید» (زلزال: ۸۷) تأکید دارد که همه اعمال انسان محاسبه می‌شود. این هشیاری به متربی کمک می‌کند تا رفتارهای خود را در نظر بگیرد و به سمت اصلاح مستمر حرکت کند. امام صادق علیه السلام نیز تأکید می‌کند: «خودتان را محاسبه کنید پیش از آنکه مورد محاسبه قرار گیرید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۴۳). این نگرش موجب تنظیم افکار و اعمال متربی در جهت آمادگی برای حسابرسی قیامت و توجه به عواقب بلندمدت تصمیماتش می‌شود. پس از «هشیاری به حسابرسی اخروی»، مؤلفه «پیش‌بینی نتایج اخروی» مطرح می‌شود. این مؤلفه به توانایی متربی در تجسم و پیش‌بینی پاداش و عواقب اعمال در زندگی پس از مرگ اشاره دارد و به او امکان می‌دهد تا ارتباط میان رفتارهای دنیوی و نتایج اخروی آنها را درک کرده و بر اساس آنها تصمیم‌گیری کند. قرآن کریم در آیه ۱۸ سوره حشر به این نکته تأکید دارد که هر فرد باید برای آخرت خود از پیش‌اندیشیده و اعمال خود را مطابق با آن هدایت کند. این توانایی پیش‌بینی به متربی کمک می‌کند تا خودکنترلی بیشتری داشته باشد و از رفتارهای آنی و غیرمسئولانه اجتناب کند (حشر: ۱۸). مرحله بعدی، «ترس و امید اخروی» است که به‌عنوان دو نیروی درونی مکمل در تربیت دینی نقش دارد. قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام بر اهمیت این دو احساس تأکید دارند. ترس از عذاب الهی و امید به رحمت الهی متربی را به انجام اعمال نیکو و دوری از گناهان ترغیب می‌کند (بقره: ۲۴؛ اعراف: ۱۵۶). این توازن میان ترس و امید باعث ایجاد تعادل روانی و خودکنترلی در متربی می‌شود و به او کمک می‌کند تا در مسیر دین‌داری به‌طور متعادل حرکت کند. در نهایت، سیر این مراحل به «آمادگی عملی برای آخرت» می‌رسد که در آن متربی با انجام اعمال صالح و پرهیز از گناه خود را برای زندگی اخروی آماده می‌سازد. این آمادگی شامل یک فرآیند مداوم و پویاست که متربی را به رشد ایمانی و تحقق اهداف بلندمدت اخروی هدایت می‌کند.

یافته دیگر پژوهش، «راهبردهای روان‌شناختی تربیت دینی» بود. در مدل روان‌شناختی تربیت دینی، این راهبردها به‌صورت سیر منطقی و پیوسته با بستر و زمینه‌سازی تربیتی آغاز می‌شوند و به خودارزیابی و

خودتنظیمی ختم می‌گردند؛ به‌گونه‌ای که در این مسیر هر مرحله به‌عنوان زمینه‌ساز و تکمیل‌کننده مرحله بعدی عمل می‌کند. راهبرد «بستر و زمینه‌سازی تربیتی» نخستین گام اساسی برای رشد دینی و ایمانی متربی است. این مرحله، پیش از هر چیز به تأمین زمینه‌های ضروری، از جمله وراثت ژنتیکی و تأثیرات محیطی در دوران بارداری و دوران نوزادی می‌پردازد. این بسترها به‌طور سیستماتیک کودک را برای پذیرش آموزه‌های دینی آماده می‌کنند. خانواده و محیط‌های اجتماعی در این زمینه نقشی بنیادین ایفا می‌کنند و به‌تدریج شرایطی را برای تقویت ارتباطات ایمانی و پذیرش تدریجی آموزه‌های دینی ایجاد می‌کنند. این بستر تربیتی باید متناسب با مراحل رشد متربی طراحی شود تا به رشد دینی و ایمانی او کمک کند و زمینه‌ای پایدار برای تربیت دینی ایجاد نماید. پس از ایجاد بستر مناسب، شناخت‌افزایی دینی به‌عنوان گام بعدی قرار می‌گیرد. در این مرحله، هدف تربیت دینی ایجاد شناخت عمیق و مفهومی از اصول و مفاهیم دینی در متربی است. این شناخت به متربی امکان می‌دهد تا آموزه‌های دینی را درک کرده و آنها را به سطحی کاربردی در زندگی روزمره برساند. شناخت‌افزایی در این مرحله به تفکر، تدبیر و تحلیل عمیق در آموزه‌های دینی اشاره دارد و به‌گونه‌ای طراحی شده است که در طول عمر و با روش‌های متناسب با سن و درک متربی پیشرفت کند. پس از این مراحل پایه‌ای، درونی‌سازی عاطفی به‌عنوان مرحله‌ای اساسی مطرح می‌شود. این مرحله به برقراری ارتباط عاطفی با آموزه‌های دینی می‌پردازد و از طریق ایجاد پیوندهای احساسی عمیق با ارزش‌ها و شخصیت‌های دینی، ایمان متربی را تقویت می‌کند. درونی‌سازی عاطفی از طریق روش‌هایی همچون قصه‌گویی و الگوگیری از شخصیت‌های مذهبی، زمینه‌ای برای پذیرش دینی فراتر از منطقی و عقل فراهم می‌آورد و به متربی کمک می‌کند تا دین را نه فقط به‌عنوان آموزه‌ای ذهنی، بلکه به‌عنوان امری قلبی و عاطفی تجربه کند. در مرحله بعد، الگودهی رفتاری بر اهمیت مدل‌سازی و مشاهدات عملی تأکید دارد. در این مرحله، متربی از طریق مشاهده و تقلید رفتارهای عینی و دینی شخصیت‌های الگو، به درونی‌سازی ارزش‌ها و رفتارهای دینی می‌پردازد. الگوهای رفتاری در این مرحله نقش اساسی در انتقال ارزش‌ها ایفا کرده و با استفاده از ارتباطات انسانی مستقیم، فضای مناسبی برای درک عمیق رفتارهای دینی فراهم می‌کنند. این مشاهده به متربی کمک می‌کند تا رفتارها و اصول دینی را به‌طور عملی درک کند.

در ادامه، مرحله هدایت دینی و ایمانی به‌منظور گسترش درک دینی متربی و حمایت از فرایند شکل‌گیری ایمان او وارد عمل می‌شود. این مرحله که بر رشد شناختی و عاطفی تکیه دارد، به تقویت ارتباطات معنوی و ایجاد مسیر روشنی برای پذیرش ایمان می‌پردازد. هدایت دینی، متربی را در مسیری هدفمند و مبتنی بر تفکر و تحقیق قرار می‌دهد و او را از باورهای تقلیدی به باورهای مبتنی بر تحقیق و تأمل سوق می‌دهد. هدایت عاطفی نیز، با تقویت ارتباطات احساسی متربی با ایمان، انگیزه و شوق او را

به سمت باورهای دینی و اصول ایمانی سوق می‌دهد. در مرحله بعد تثبیت هویت دینی و ایمانی است که به دنبال ایجاد هویتی پایدار و منسجم در فرد است. در این مرحله، باورها و ارزش‌های دینی درونی متربی تقویت شده و این باورها به شکل یک هویت قوی و دائمی در وی نهادینه می‌شوند. این تثبیت، متربی را قادر می‌سازد تا در تمامی ابعاد زندگی و تصمیم‌گیری‌ها بر پایه این هویت دینی و ایمانی عمل کند و استقلال فکری و عاطفی در باورهای دینی را تجربه نماید. تثبیت هویت دینی، تأکید بر تبدیل باورها به بخشی اساسی از وجود فرد دارد و او را به سمت ارتباط قوی‌تری با آموزه‌های دینی سوق می‌دهد. در نهایت، راهبرد خودارزیابی و خودتنظیمی مداوم قرار می‌گیرد که متربی را به نظارت بر رفتارها و اصلاح مستمر آنها ترغیب می‌کند. این مرحله با تأکید بر خودآگاهی، به متربی کمک می‌کند تا به‌طور پیوسته رفتارها، افکار و نیت‌های خود را با اصول دینی و ایمانی ارزیابی کرده و در صورت نیاز، تغییرات لازم را در مسیر رشد و تعالی خود اعمال کند. این خودارزیابی و خودتنظیمی، علاوه بر رشد فردی، به متربی کمک می‌کند تا در برابر آسیب‌ها و چالش‌های احتمالی مصون بماند و همواره در مسیر درست تربیت دینی باقی بماند. این راهبردها به‌صورت زنجیره‌ای به یکدیگر متصل‌اند و هرکدام به‌عنوان زیربنای مرحله بعدی عمل می‌کنند. پیامد نهایی مدل روان‌شناختی تربیت دینی، دستیابی به «سعادت ابدی» است که در آموزه‌های اسلامی به‌عنوان رستگاری پایدار اخروی و فوزی جاودانه در بهشت توصیف شده است (شمس: ۶؛ مؤمن: ۱).

مدل روان‌شناختی تربیت دینی توسط گروهی از متخصصان در حوزه‌های علوم اسلامی، روان‌شناسی و علوم تربیتی، پس از ارزیابی شاخص‌های روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوایی (CVT) تأیید شده است. این فرآیند ارزیابی، صحت و اعتبار علمی مدل را تضمین کرده و آن را به الگویی جامع، کاربردی و قابل اعتماد در زمینه تربیت دینی تبدیل نموده است. بر اساس این ویژگی‌ها، مدل مذکور می‌تواند به‌عنوان راهنمایی اساسی در طراحی، اجرا و ارتقای فرآیند تربیت دینی مورد استفاده قرار گیرد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

پژوهش حاضر به‌عنوان مدلی روان‌شناختی از تربیت دینی مبتنی بر منابع اسلامی، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. از جمله، به دلیل نوظهوری مفهوم «تربیت دینی» و تنوع دیدگاه‌ها، تعاریف متعدد و گاه متناقضی در این حوزه وجود دارد که این امر مستلزم دقت و صرف زمان بیشتری در فرآیند پژوهش بوده است. پژوهش‌های پیشین در زمینه تربیت دینی با رویکرد روان‌شناختی محدود بوده و منابع علمی موجود پاسخگوی تمام نیازهای این تحقیق نبودند. علاوه بر این، بررسی جامع و کامل سلسله اسناد روایات مرتبط با تربیت دینی امکان‌پذیر نگردید. برای تکمیل و گسترش پژوهش «مدل روان‌شناختی

تربیت دینی بر اساس منابع اسلامی» پیشنهاد می‌شود که در آینده پرسش‌نامه‌ای استاندارد مبتنی بر این مدل طراحی و اعتبارسنجی شود. بسته‌های آموزشی مبتنی بر این مدل برای استفاده در مدارس و دانشگاه‌ها تدوین گردد تا تربیت دینی متریبان ارتقا یابد. پژوهش‌های مستقل می‌توانند اثربخشی این مدل را در بهبود رفتارهای دینی و ایمانی در مراحل مختلف تحولی بررسی کنند؛ همچنین تحقیقاتی برای بررسی تأثیر این مدل در کاهش مشکلات روان‌شناختی، مانند اضطراب و افسردگی و بهبود سلامت روانی انجام شود. پژوهشگران می‌توانند عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر پذیرش این مدل را بررسی کرده و تطابق آن را با جوامع مختلف ارزیابی کنند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *صفات الشیعه*. تهران: علمی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹). *الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی (صدرا).
- برقی، رسول و مستانه، یدالله (۱۳۹۷). تأثیر فضای مجازی بر تربیت اسلامی دانش‌آموزان؛ آسیب‌ها و راهکارها. *رآورد نور*، ۴۵-۳۵-۶۳.
- بهرامی، محمد (۱۳۸۷). نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن. *پژوهش‌های قرآنی*، ۵۴ و ۵۵، ۵۵-۵۴.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۳ش). اخلاق و فضایل اخلاقی. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- تقوی‌نسب، سیده نجمه؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم و نجفی، محمد (۱۳۸۹). ضرورت نوآوری در روش‌های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی. *تربیت اسلامی*، ۴(۹)، ۲۵.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دارالکتاب الإسلامی.
- حیدری، ناهید؛ بهشتی، سعید؛ دلاور، علی و ایمانی، محسن (۱۴۰۰). تدوین الگوی جامع تربیت دینی کودک بر اساس اندیشه تربیتی ابن‌سینا. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۱۲(۲)، ۲۳.
- داودی، محمد؛ کارآمدپیشه، حسین (۱۳۹۹). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داودی، محمد (۱۳۹۸). نقد دلایل مخالفان ضرورت تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش رسمی. *تربیت اسلامی*، ۱۴(۲۹)، ۷۴-۵۷.
- زارعان، محمدجواد (۱۳۷۹). تربیت دینی، تربیت لیبرال. *معرفت*، ۳۳، ۱۵۸.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ احمدآبادی آرانی، نجمه؛ محمدی، آزاد و اشرفی، فاطمه (۱۳۹۳). تبیین ماهیت، ابعاد و مؤلفه‌های علم تربیت دینی. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۱۸(۵۸)، ۳۹.
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۸۴). تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی: قابلیت‌ها و کاستی‌ها. *نوآوری‌های آموزشی*، ۴(۱۱)، ۳۵.
- شاملی، عباسعلی (۱۳۸۱). درآمدی مفهوم‌شناختی در قلمرو تربیت دینی. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۸(۳۲)، ۴.
- شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی، غروری‌راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳). کاربرد نظریه‌های حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی دین*، ۱۵، ۳۸۷.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*. قم: هجرت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل‌البیت.

- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۳). منطق فهم حدیث. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی. *
- ضرابی، عبدالرضا (۱۳۹۶). نقش تربیتی نهادهای اجتماعی در تحقق جامعه دینی. معرفت، ۲۶(۶)، ۱۳.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۴). تحلیل دستاوردهای تحقیقات در خصوص تأثیر نظام آموزش رسمی کشور در تربیت دینی دانش‌آموزان. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کمپجانی، داوود و فریادرس، زینب (۱۳۹۴). آشنایی با ساختار تربیت دینی و راه‌کارهایی برای پذیرش آن در سنین کودکی. آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۱(۲)، ۱۸۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی، با همکاری گروه نویسندگان (۱۳۸۸). تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. *
- محمدپور، احمد (۱۳۹۸). ضد روشن: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. قم: لوگوس.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- موحدی محصل طوسی، مرضیه؛ مهرمحمدی، محمود؛ صادق‌زاده، علیرضا و نقی‌زاده، حسن (۱۳۹۲). نقد طبقه‌بندی‌های موجود از رویکردهای تربیت دینی و ارائه یک طبقه‌بندی مفهومی جدید. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۳(۱)، ۱۳۷.
- موسوی‌نسب، سیدمحمدصادق (۱۳۹۰). طراحی و تبیین الگوی عمومی تربیت دینی بزرگسالان در قرآن با تأکید بر وظایف مربی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۳(۲)، ۵.
- نوری، نجیب‌الله؛ عسگری، علی؛ نارویی نصرتی، رحیم و شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۵). مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲(۴)، ۲۶-۷.
- Adam, G., Rothgangel, M., Lachmann, R., Schlag, T. & Schweitzer, F. (Eds) (2014). *Basics of religious education*. V&R unipress GmbH.
- Aldwin, C. M. (2009). Gender and wisdom: A brief overview. *Research in Human Development*, 6(1), 1-8.
- Berglund, J., Shanneik, Y. & Bocking, B. (Eds) (2016). *Religious education in a global-local world* (Vol. 4).
- Cummins, S. & Stille, M. (2021). Religious emotions and emotions in religion: The case of sermons. *Journal of religious history*, 45(1), 3-24.
- Duff, J. H., Scarpa, M., Zupluoglu, C. & Prilleltensky, I. (2024). The Development and Initial Validation of the Multidimensional Fairness Scale. *Social Justice Research*, 37(3), 213-238.
- Halik, A. (2016). Paradigm of Islamic Education in the Future: The Integration of Islamic Boarding School and Favorite School. *Information Management and Business Review*, 8(4), 24-32.
- Irhas, S., Nursiah, A., Ajusman & Munir, M. (2024). Analysis of Albert Bandura's Social Cognitive Theory and Its Development in Islamic Religious Education. *Reslaj: Religion Education Social Laa Roiba Journal*, 6(12), 5498.
- Mizani, H., Basir, A., Giri, S., Juhaidi, A. & Aslan, A. (2020). Understanding Islamic Education Model for Children of Early Married Families in South Kalimantan. *Talent Development & Excellence*, 12(2), 4365-4374.
- Motet, D. (1978). Kohlberg's Theory of Moral Development and the Christian Faith. *Journal of Psychology and Theology*, 6(1), 18-21.
- Muhtadi, A., Mulyoto, M. & Hasyim, D. (2022). Development of an Evaluation Model for Islamic Religious Education and Character Education (PAI-BP) at The High School Level: Between Urgency and Effectiveness. *Journal Research of Social, Science, Economics, and Management*, 1(9), 1525-1544.

- Nelson, James & Yang, Yue. (2022). The role of teachers' religious beliefs in their classroom practice - a personal or public concern? *Journal of Beliefs & Values*. 44, 1-18. 10.1080/13617672.2022.2125672.
- Rabinataj, S. A., & Azadboni, R. M. (2012). Religious foundation of education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 47, 629-633.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Syakhrani, A. W. (2021). Islamic Education Model. *Indonesian Journal of Education (INJOE)*, 1(1), 14-19.
- Thomas, R. M. (1994), "Religious Education". In Torston Husen, T. Neville Postlethwaite (Ed. in chief), *The International Encyclopedia of Education* (London: BPC Wheatons Ltd London), v.9, p.4995-5008.
- Turhan, Z. (2023). The role of religion and faith on behavioral change among perpetrators of domestic violence in interventions: A literature review. *Journal of Religion & Spirituality in Social Work: Social Thought*, 42(1), 111-132.
- Watts, F. (2020). The evolution of religious cognition. *Archive for the Psychology of Religion*, 42(1), 89-100.
- Wijaya, M. M. (2021). Islamic Education Model in Madrasah in The Perspective of Islamic Education Philosophy. *Ar-Raniry, International Journal of Islamic Studies*, 8(1), 1-11.
- Zaki, J. (2020). Integrating empathy and interpersonal emotion regulation. *Annual review of psychology*, 71(1), 517-540.